



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۰/۱۰



م. اسحاق نگارگر

آیا فاجعه بغداد در کابل تکرار نخواهد شد؟



معمولاً کودتاها و انقلاب های توأم با خشونت و خونریزی در آنجا ها رخ میدهد که قدرت های حاکم لجوجانه جلو تغییر و تحول تدریجی را می گیرند و تلاش می کنند نیروی جوان و تحول طلب جامعه را به زور سرنیزه بر جایش بنشانند.

نیروی تحول طلب نیز به خشونت و گشتار متقابل متوسل می شود و این خشونت دو جانبه قساوت قلب و بیرحمی را افزایش میدهد و معیارهای عدالت و انصاف را تضعیف و افراد را به انتقام جویان بسیار بیرحم بدل می کند و کار را بدانجا می کشاند که گشتن به طبیعت دوم زورمندان بدل می شود.

یکی به نام خائن و نوکر اجنبی می گشتد و دیگری به نام ضد انقلاب و عامل بورژوازی.

در عراق این روز ها جوانان بیکار و بی روزگار به جاده ها آمده اند و از مقامات حاکم کار و اصلاحات اجتماعی می خواهند ولی مقامات حاکم که همانند دولتمردان امروز و دیروز افغانستان در مُرداب فساد و رشوه خواری تا گلو غرق استند متوسل به زور می شوند و مردم را می گشتند و این گشتار تُخم عقده های نومیدی و انتقام را در دل ها می کازد و تحول طلبان را نیز مجبور می سازد که با معیارهای خشم و انتقام وارد پیکار متقابل شوند.

اگر بر سیاست های حاکم خرد و دوراندیشی حکومت کند و خرد ورزان سیاستمدار گفته سعدی را بپذیرند که:

رعیت گریزد ز بیداد گر
کُند نام زشتش به گیتی سمر

تابع سیر زمان می شوند و با اصلاحات تدریجی و گام به گام هم لعل قدرت را بدست می داشته باشند و هم دل یار را نمی رنجانند.

در افغانستان ما اینگونه خشونت ها را بسیار آزموده ایم ولی بدبختانه از این آزموده ها کمتر یاد گرفته ایم. انتخابات سال ۲۰۱۴ به بحران رفت و در نتیجه آن دو رهبری که از دیدگاه قدرت با هم مساوی بودند و یکی ریسمان امتیاز را به سوی خود می کشید و دیگر در جهت خود و این دو نیروی مساوی در جازده بودند. کمک های جهان صرف یک بیوروکراسی بی معنی و پر مصرف گردید.

یکی بافت و دیگری باز کرد. سر تا سر پنج سال حکومت در جدال و طعنه دهی به همدیگر گذشت. جوانان تحصیل کرده و بیکار طول و عرض جاده ها را گز و پل کردند و یا هست و بود پدر و مادر را به دست قاجاقبران دادند و به خاطر اُمید های موهوم راه مهاجرت در پیش گرفتند و یا شکار باندهای تولید مواد مخدر گردیدند و به اردوی بیکاران زیر پُل سرخ و سینمای اقبال پیوستند.

اینک انتخابات سال ۲۰۱۹ نیز رو به بحران می رود. در سال ۲۰۱۴ باز غنیمت بود که تنها دو تن در تنازع قدرت درگیر بودند و اینک کم از کم من از چهار نامزد ریاست جمهوری شنیده ام که خویشتن را صد در صد پیروز میدانند و یگانه معیار شان همین است که اگر «من رئیس جمهور نشدم حتماً در انتخابات تقلب شده است». این بار چهار لشکر در برابر هم صف می کشند و هر کدام شان هم «خود را تکه تکه می کنند» تا به حق خود برسند و باز هم طبق معمول آنان بر غُندی خیر خواهند نشست و مردم بیگناه گشته خواهد شد و مانند عراق جوانان از پا خواهند افتاد؛ شهادت ها مبارکباد گفته خواهد شد و اگر با هم بسازند باز هم یک حکومت فُلج که نه مرد ره آخرت باشد و نه زن دنیا و کسی چه میداند شاید آن حکومت فُلج و بی کفایت مردم را به مرگ بگیرد که به تب یک نظام طالبانی راضی شوند و وضع کابل صد بار بدتر از بغداد شود.

ما با هم جور نمی آیم و دل همسایگان هم به حال ما نمی سوزد تا سنگ خیری بگذارند و گشتار را پایان دهند. مصداق اصلی همان دو بیت استیم که میگوید:

نه در مسجد گذارندم که رندی
نه در میخانه کاین خمار خام است
میان مسجد و میخانه راهیست
غریبم؛ بیکسم آن ره کدام است

و راهی که میان مسجد و میخانه است همان راهی است که راه اعتدال و ارفاق و اتفاق است که می ترسم تعلیق به مُحال کرده باشم و هرگز بدان نرسیم.

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۱۷ اکتوبر ۲۰۱۹ برمنگهم

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

آیا فاجعه بغداد در کابل تکرار نخواهد شد؟
i_negargar_faadjeaye_baghdaad.pdf